

آیا «نرمش قهرمانانه» رهبر ایران «صلح با معاویه» را به همراه خواهد داشت؟

My piece regarding Ali Khamenei's recent so-called "Heroic flexibility" approach regarding foreign policy.
مقاله ام در ارتباط با رویکرد جدید علی خامنه ای در رابطه با سیاست خارجی که اصطلاحاً "نرمش قهرمانانه" اش نامیده است.

منتشر شده در: ایران امروز، گویا تریبون زمانه، ایران گلوبال و کیهان نوین

از «نوشتیدن جام زهر» تا «نرمش قهرمانانه»

احمد هاشمی

iran-emrooz.net | Fri, 20.09.2013, 9:49



کارمند پیشین وزارت خارجه ایران
عنوان اصلی مقاله:

آیا «نرمش قهرمانانه» رهبر ایران «صلح با معاویه» را به همراه خواهد داشت؟ در روزهای گذشته علانم و سیگنالهای فراوانی از طرف رهبر و دیگر مقامات ارشد جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اتخاذ رویکردی جدید در تعامل با جهان خارج و تمایل برای حل و فصل مساله هسته‌ای ارسال گردیده است. آیت‌الله خامنه‌ای در آستانه آغاز احتمالی دور جدید مذاکرات ایران و ۵+۱ اعلام کرده که مخالف «حرکت‌های صحیح دیپلماسی» نیست و می‌توان در مقابل غرب «نرمش قهرمانانه» داشت. وی در دیدار اخیر خود با فرماندهان ارشد سپاه، با تاکید بر «دیپلماسی لبخند» گفته است: «عرصه دیپلماسی، عرصه لبخند و درخواست مذاکره و مذاکره است». وی همچنین در اظهارنظری بی‌سابقه، از سپاه خواسته تا «سیاست را خوب بفهمد ولی وارد آن نشود». تعبیری که در نوع خود، اولین در ادبیات دیپلماتیک رهبر جمهوری اسلامی ایران هستند.

پیشینه نرمش قهرمانانه

صرف واژه نرمش برای رژیم‌های مانند جمهوری اسلامی واژه‌ای ناخوشایند و حاکی از عجز و ضعف است چرا که رژیم‌های ایدئولوژیکی همچون ایران، کره شمالی و زیمبابوه نیاز به ادبیاتی کوبنده و دیگرستیزانه برای استمرار سیاستهای جنجالی و ماجراجویانه خود دارند مگر اینکه مجبور به توقف آن ادبیات شوند. آیت‌الله خامنه‌ای در اظهارات اخیرش در مورد نرمش قهرمانانه چنین توضیح می‌دهد: «با مسئله‌ای که سالهای پیش نرمش قهرمانانه خواندم موافقم چرا که این حرکت در مواقعی بسیار خوب و لازم است». اما اگر کمی به عقب‌تر برگردیم خواهیم دید که «نرمش قهرمانانه» در ادبیات رهبر ایران به صلح اجباری و عقب نشینی پیشروی دوم شیعیان در رویارویی با معاویه اشاره دارد که رهبر ایران از آن در کتابی که پیش از انقلاب سال ۵۷ ترجمه کرده است به عنوان «باشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ» یاد می‌کند.

آیت‌الله خامنه‌ای در حالی موضع جدید خود پیرامون «نرمش قهرمانانه» در ساحت دیپلماسی را بیان کرده که پیش از این، بارها به انتقاد از سیاست تنش‌زدایی دوره اصلاحات پرداخته و از مدافعان سرسخت روشی بود که در دولت محمود احمدی‌نژاد پیگیری می‌شد و برخی آن را «دیپلماسی تهاجمی» نامیده بودند. وی ضمن ابراز بدبینی نسبت به موفقیت

مذاکرات با غربی‌ها، به مقام‌های ارشد کشور در مورد «دست‌های چدنی زیر دستکش مخملی» و «لیخند دشمن» هشدار داده بود: «اوایل برخی‌ها لبخند دشمن را باور می‌کردند، اما به تدریج پشت صحنه این وعده‌ها را فهمیدند و متوجه شدند که دشمن چه راحت دروغ می‌گوید». اکنون باید دید در رژیمی که دوام و قوام خود را در استکبارستیزی و جنگ همیشگی با دیگران (دشمن حقیقی و فرضی) می‌بیند چه عوامل و شرایطی رهبر آن را به این نتیجه‌گیری رسانده است که زمان «نرمش قهرمانانه» در مقابل قدرتهای غربی فرا رسیده است. با نگاهی کوتاه به ادبیات مورد استفاده در جمهوری اسلامی و کنکاشی در بار معنایی واژه «نرمش» می‌توان به این نتیجه رسید که در رویکرد جدید آیت‌الله خامنه‌ای - که با هموار کردن مسیر برای به قدرت رسیدن حسن روحانی آغاز شد - بیش از آنکه علانمی از مذاکره و صلح حقیقی موجود باشد نشانه‌هایی از اضطراب و اجبار در لحن، رفتار و ادبیات مورد استفاده وی دیده می‌شود. این تغییر رویکرد ۱۸۰ درجه‌ای فقط در برهه‌هایی که جمهوری اسلامی با تهدیدی جدی و بنیادین روبرو بوده مشاهده گردیده است از جمله زمانی که آیت‌الله خمینی مجبور به قبول قطعنامه ۵۹۸ و ترک مخاصمه با عراق شد.

از «نوشیدن جام زهر» خمینی تا «نرمش قهرمانانه» خامنه‌ای

در سال پایانی جنگ ایران و عراق، آیت‌الله خمینی، علیرغم اشتیاق فراوانی که به استمرار جنگ با شعار «جنگ جنگ تا رفع فتنه از کل جهان» و سودای برافراشتن بیرق اسلام ناب محمدی بر جای هستی را داشت از این سودای خود و صدور متاع زهرآگینش (ایدئولوژی انقلاب اسلامی و گفت‌وگو و ولایت فقیه) دست برداشت و در سال ۶۷ جام زهر را با بی‌میلی و اکراه سر کشید. وی تنها با به مسلخ بردن صدها هزار جوان ایرانی در کارزاری پوچ بود که به این باور رسید که بلندپروازی‌هایش قابلیت اجرایی شدن ندارند و حاضر شد و یا به عبارت بهتر مجبور شد تا «جام زهر» را سر کشیده کارگزارانش را به پای میز مذاکره بفرستد. در برهه زمانی کنونی نیز جمهوری اسلامی، در شرایط مشابهی بسر می‌برد. تأثیرات مخرب تحریم‌های بین‌المللی، رهبر ایران را به این نتیجه‌گیری رسانده است تا احتمالاً «نرمشی قهرمانانه» در مقابل غرب داشته باشد.

این در حالی است که آیت‌الله خامنه‌ای در تمام دوران رهبری خود از حامیان سرسخت «دیپلماسی تهاجمی» بوده و حتی در آخرین دیدارش از قم در ۱۹ دی ماه ۱۳۹۰، از کسانی مانند محسن رضایی که گفته بودند ما در «شرایط شعب ابی طالب» (استعاره از وضعیت ضعیف و تدافعی) قرار داریم انتقاد و تأکید کرده بود که کشور در شرایط «بدر و خیبر» (استعاره از وضعیت قوی و تهاجمی) قرار دارد.

میزان نرمش احتمالی جمهوری اسلامی در مقابل قدرتهای جهانی به عواملی از قبیل حجم، گستردگی و انسجام تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی بستگی خواهد داشت. آنچه مسلم است این است که زمینه برای گفت‌وگو مستقیم ایران و آمریکا مساعدتر از همیشه است. البته ارتباط با آمریکا در دوران پس از انقلاب ۵۷، امری مسبوق به سابقه است و تهران و واشنگتن بعد از اشغال سفارت آمریکا و قطع رابطه، بارها با یکدیگر تماس برقرار کرده و مذاکراتی در باب موضوعات گوناگون داشته‌اند. در دهه ۶۰ و در دوران جنگ ایران و عراق، کشور آمریکا چندین نوبت به ایران کمک اطلاعاتی و تسلیحاتی نمود، در دهه ۸۰ نیز، در جنگ با طالبان، ایران کمک اطلاعاتی ارزشمندی به آمریکا نمود و در پیروزی سریع آمریکا در این جنگ موثر واقع شد. محور شرارت خواندن ایران توسط دولت جرج بوش این روند تعامل مستقیم و غیرمستقیم بین دو کشور ایران و آمریکا را خدشه دار کرد ولی امروز شرایط از طرف هر دو کشور برای تعامل نزدیک‌تر مهیا می‌باشد. ایران بخاطر فشار فزاینده تحریم‌ها و آمریکا به جهت سکنداری رهبری صلح طلب علاقه زیادی دارند تا از حجم خصومت‌ها بکاهند ولی این نمی‌تواند به معنای تغییرات اساسی در سیاست خارجی کلان جمهوری اسلامی باشد چرا که در آن صورت موجودیت و کیان خود را در خطر خواهد دید. با پذیرش این اصل که رژیم ایدئولوژیک و اصطلاحاً مکتبی حاکم بر تهران قابلیت و ظرفیت اصلاحات گسترده در ساختار سیاستهای کلان خود را دارا نیست می‌توان ذیلاً به چرایی چرخش در سیاست خارجی آن پرداخت.

دلایل اتخاذ سیاست نرمش قهرمانانه:

یک- تقویت صلح طلبی و جریان‌ات ضدجنگ در اروپا و آمریکا

حمله نظامی به عراق در سال ۲۰۰۳ بدون جلب موافقت شورای امنیت و نادیده گرفتن افکار عمومی کشورهای مهاجم، باعث تغییراتی در کابینه کشورهای درگیر جنگ شد. در آمریکا، جرج بوش جای خود را به اوباما داد. سیاستهای اجماع ساز باراک اوباما همراه با تغییرات سیاسی در اروپا عرصه را برای جمهوری اسلامی تنگ نمود. گروههای ضد جنگ که فعالیت‌هایشان بطور غیرمستقیم به نفع جمهوری اسلامی تمام می‌شد تضعیف شدند چرا که در فرانسه نیکولا سارکوزی راستگرا جای خود را به فرانسوا اولاند سوسیالیست داده و در بریتانیا دیوید کامرون، تونی بلر جنگ طلب را

در رقابت درون حزبی به کنار زده بود. بنابراین فضای جنگ و اقدام نظامی احتمالی بر علیه ایران رنگ باخت و در عین حال اجماع بین المللی به رهبری اوباما و با همراهی روسیه و چین بر علیه ایران تقویت شد که نتیجه خود را در تصویب و اعمال تحریمهای بین المللی بیسابقه علیه ایران نشان داد.

دو- تاثیرات ویرانگر تحریمها

همچنانکه اشاره شد تاثیرگذاری تحریمها—که توسط مقامات جمهوری اسلامی به عنوان بزرگترین موهبت شناخته شده بود—و قطعنامهها—که کاغذ پاره‌های بی‌ارزشی ارزیابی شده بود— در سالهای اخیر به اوج خود رسید. چرا که بنا به گفته جو بایدن، معاون رئیس جمهور آمریکا، شدیدترین تحریمها در طول تاریخ بر علیه ایران در حال اعمال بود که تاثیرات خود را در نوسانات شدید ارز و تورم بی‌سابقه و تعطیلی گسترده کارخانجات نشان داد و رهبران جمهوری اسلامی را وادار به چاره اندیشی کرد.

سه- اتفاقات سوریه

پس از بیش از دو سال از آغاز ناآرامیهای داخلی، تحولات سوریه به گونه غیرمنتظره‌ای پیش رفته و ایران و غرب را بطور یکسانی در یک وضعیت آچمز قرار داده است. به نظر می‌رسد بویژه پس از پیشنهاد اخیر روسیه، ایران و کشورهای غربی متقابلاً مجبور به همکاری و چاره اندیشی مشترک شده‌اند و همانند دوران جنگ با طالبان، ایران و غرب بویژه آمریکا، نیاز به همکاری در زمینه سوریه خواهند بود.

چهار- فلج شدن سیستم بانکی کشور

تحریمهای بانکی و مالی ایران روند واردات و صادرات و فروش نفت کشور را مختل نموده است. بطوریکه ایران در دریافت مبالغ مربوط به فروش نفت خود به هند، پاکستان و کشورهای شرق آسیا، با مشکلات عدیده‌ای روبرو بوده است.

پنج- اقتصاد شدیداً نابسامان

با وجود اینکه انتقاد از شرایط و مشکلات در بسیاری موارد سیاه نمایی تلقی گردیده و رسانه‌های داخلی از پرداختن به آنها منع شده‌اند؛ ولی موضوع مشکلات و نابسامانیهای اقتصادی در کشور، چنان عیان و آشکار است که حتی بسیاری از مراجع تقلید در مورد آن هشدار داده‌اند و بنابر برخی اظهارات مقامات ارشد رژیم، در صورت استمرار وضع موجود، احتمال قحطی و شورش گرسنگان دور از ذهن نخواهد بود.

شش- ناکارآمدی صنعت نفت

کارشناسان انرژی عقیده دارند صنعت نفت و گاز کشور به دلیل ناتوانی در نوسازی و واردات فناوری و ماشین آلات مورد نیاز، در وضعیت اسفناکی بسر می‌برد؛ بطوریکه میزان بهره وری و تولید در این بخش کلیدی، به شدت کاهش یافته و بسیاری از صنایع و تاسیسات مربوط به بخش نفت و گاز کشور دارای فرسودگی می‌باشد.

نشانه‌های تغییر و نرمش در سیاستهای جمهوری اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای با میدان دادن به تیم نو رسیده احمدی‌نژاد به منظور از میدان خارج کردن مزاحمان (اصلاح طلبان) و رقبای سنتی خود (بویژه هاشمی رفسنجانی) دست به اشتباه استراتژیکی زد و کشور را به قهقرای عمیقی فرو برد. سیاست داخلی و بویژه خارجی احمدی‌نژاد پس از سپری شدن هیجان و جاذبه اولیه‌اش، به معنای دقیق کلمه یک افتضاح بزرگ بود و مشکلات عدیده‌ای برای کشور و شخص رهبر و دشمنیهای جدیدی برای جمهوری اسلامی ایجاد نمود؛ بطوریکه وی وادار به تن دادن به برخی تغییرات در سیاستهای کلان خود شد که برآمدن دولت کنونی، یکی از پیامدهای اصلی این تغییر رویکرد رهبر است. می‌توان تی‌تر وار نشانه‌های تغییر در سیاستهای جمهوری اسلامی را ذیلاً برشمرد: یک- هموار نمودن مسیر برای برآمدن چهره‌ای معتمد، امتحان پس داده و دارای پیشینه امنیتی و هسته‌ای و درعین حال دیپلماتی برجسته و شناخته شده در عرصه دیپلماسی برای جلوس بر تخت ریاست جمهوری؛

دو- انتخاب قدرتمندترین و امریکاگراترین دیپلمات تاریخ جمهوری اسلامی برای پست وزارت امور خارجه، و هموار کردن مسیر برای شکلگیری تیم کارکشته مذاکره گر بطوریکه ویژگی اصلی تیم اجرایی دولت روحانی لابی‌گری، می‌انجی‌گری و مذاکره‌گری است؛

سه- دعوت از سپاه برای اجتناب از دخالت در سیاست. رهبر ایران، در دیدار اخیرش با فرماندهان سپاه گفته است: «لزومی ندارد سپاه در عرصه سیاسی پاسداری کند اما باید عرصه سیاست را بشناسد». رئیس جمهور ایران نیز همین موضوع را به شکلی دیگر تکرار نموده است؛

چهار- افزایش ترافیک دیپلماتیک و روشن شدن چراغهای سبز از زمان شکلگیری دولت جدید حسن روحانی که

نمی‌تواند تصادفی و بدون هماهنگی و دیکته رهبر جمهوری اسلامی رخ داده باشد. از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

ورود خاتم‌الری‌آموس مدیر سابق وزارت امور خارجه بریتانیا تحت پوشش معاون دبیرکل سازمان ملل به تهران و دیدار با مقامات ارشد دستگاه دیپلماسی کشور، ورود چندی پیش جفری فلتن، دیپلمات کهنه کار امریکایی در پوشش معاون بان کی مون به تهران و دیدار با مقامات وزارت امور خارجه ایران، سفر سلطان قابوس پادشاه عمان به کشور و دیدار با رهبر و رئیس جمهور، دیدار حسن روحانی از روسیه، ابراز تمایل حسن روحانی به گفت‌وگو با آمریکا و استقبال باراک اوباما از آن، رد و بدل شدن نامه‌هایی بین اوباما و روحانی «مثبت و سازنده» توصیف کردن لحن نامه اوباما توسط رئیس جمهور ایران، اظهار نظر حسین موسویان مذاکره کننده سابق هسته‌ای جمهوری اسلامی مبنی بر صدور مجوز مذاکره مستقیم با آمریکا توسط رهبر و تایید ضمنی آن توسط روحانی در مصاحبه با تلویزیون ان بی سی، ادعای نشریه معتبر اشپیگل مبنی بر توقف فعالیتهای سایت فردو توسط روحانی در آینده نزدیک، اظهار نظر سرگی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، مبنی بر آمادگی ایران برای توقف غنی‌سازی ۲۰ درصدی در مقابل لغو تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی، از جمله تحریم بانک مرکزی و صادرات نفت، شایعه احتمال دیدار اوباما و روحانی در حاشیه اجلاس سالیانه سازمان ملل توسط برخی روزنامه‌های خارجی از جمله نیویورک تایمز و گاردین، و احتمال از سرگیری دور تازه مذاکرات هسته‌ای با گروه ۵+۱ با حضور محمدجواد ظریف و کاترین اشتون تا دو هفته دیگر در نیویورک، اظهار نظر اخیر علی اکبر صالحی، رییس سازمان انرژی اتمی ایران مبنی بر شکل گیری «گروهی با دیدگاه واحد» در حکومت ایران پس انتخابات ریاست جمهوری اخیر برای حل و فصل مساله هسته‌ای، اظهار نظر جی کارنی، سخنگوی کاخ سفید مبنی بر اعلام آمادگی دولت امریکا برای همکاری در حل و فصل مسالمت آمیز مسئله هسته‌ای ایران با دولت روحانی پس از اظهار نظر روحانی برای برطرف کردن نگرانی‌های دنیا راجع به ایران، امیدواری باراک اوباما به حصول توافق با ایران از جمله نشانه‌های دیپلماتیکی است که می‌تواند دال بر وجود اراده از طرف جمهوری اسلامی برای حل و فصل مسائل هسته‌ای خود با غرب تلقی شود.

در این بین که تلاشهایی برای مذاکره و بده بستان سیاسی در جریان است چند سؤال کلیدی ذهن‌ها را بخود مشغول می‌کند که رهبر جمهوری اسلامی نیاز دارد تا به آن‌ها پاسخ گوید؛ از جمله اینکه:

اگر آیت‌الله خامنه‌ای ادعا دارد جمهوری اسلامی نه تنها در وضعیت تدافعی، محاصره و درماندگی و به تعبیر خودش در شرایط «شعب ابی‌طالب»، که در وضعیت تهاجمی و دست بالا و باز به تعبیر خودش در شرایط «بدر و خیبر» بسر می‌برد؛ پس چگونه است که سیگنالهایی پیاپی برای سازش، نرمش و مذاکره با به اصطلاح شیطان بزرگ می‌فرستد و چه اصراری دارد نرمشی قهرمانانه در مقابل غرب از خود نشان بدهد؟ و آیا رابطه‌ای بین ورود دیپلماتهای غربی و رد و بدل شدن احتمالی نامه‌هایی بین اوباما و روحانی و صحبت‌های اخیر رهبر وجود دارد؟

جمهوری اسلامی تا چه میزان در رفع تحریم‌ها و همراه کردن افکار عمومی و قدرتهای جهانی برای کاهش فشارهای فزاینده علیه ایران موفقیت حاصل خواهد کرد؟

و مهم‌ترین سوال این است که آیا «نرمش قهرمانانه» مورد نظر رهبر جمهوری اسلامی رویکردی کوتاه مدت و تاکتیکی در قالب خدعه و نیرنگ مبتنی بر آموزه «مکروا و مکرا لله والله خیر الماکرین» به منظور دفع خطر و خرید زمان خواهد بود و یا اینکه آیت‌الله خامنه‌ای با تاسی از مشی «صلح امام حسن با معاویه» به آن نگاه بلند مدت و استراتژیک دارد؟

<http://ahmaddhashemi.blogspot.com>

<http://www.iran-emrooz.net/index.php/politic/more/47658>

<http://news.gooya.com/politics/archives/2013/09/167321.php>

<http://www.iranglobal.info/node/25278>